



تولید علم یا کشف علم؟/ پاسخ به یک اشکال قدیمی

چند روز پیش حجت الاسلام رسول جعفریان در کانال شخصی خود به طرح یک اشکال قدیمی در مورد تولید و یا کشف علم پرداخت که تا قبل از این از سوی اندیشمندان مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

چند روز پیش حجت الاسلام رسول جعفریان در کانال شخصی خود به طرح یک اشکال قدیمی در مورد تولید و یا کشف علم پرداخت که تا قبل از این از سوی اندیشمندان مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار مهر، چند روز پیش حجت الاسلام رسول جعفریان در کانال شخصی خود به طرح یک اشکال قدیمی در مورد علم پرداخت. بحث وی این بود که استفاده از لفظ تولید علم اصطلاح درستی نیست، چراکه اساساً علم کالا نیست که آن را تولید کنیم بلکه علم کشف کردنی است.

متفکران و اندیشمندان مختلفی نسبت به این اشکال پاسخ گفته اند و بحث های زیادی در مورد آن صورت گرفته است اما مشخص نیست طرح دوباره این اشکال، از چه حیثی بوده است.

حجت الاسلام جعفریان در کانال خود می نویسد: «علم تولید کردنی نیست، کشف کردنی است. این روزها مرتب از تولید علوم انسانی سخن گفته می شود. واقعیت این است که علم طبیعی باشد یا انسانی، علم است، امر کشفی است، نه امر تولیدی؛ چرا این کلمه را تا این اندازه با تسامح بکار می بریم؟ این صنعت است که تولید می شود، علم بر اساس هر تعریفی که باشد، نوعی کشف است، کشف واقع. اگر چیزی کشف واقع است، آن را تولید نمی کنند. آنچه تا اندازه ای و در ترکیب با علم تولید کردنی است، صنعت است، صنعتی که تازه بخش مهمی از آن هم دانش و علم است که باید کشف کرد، و آنگاه که فرضاً در معماری تبدیل به شهرسازی و خانه سازی می شود، می تواند با علائق و آرمانها و باورهای مردم ترکیب شده و این طور تولید شود.»

وی ادامه می دهد: «اگر این تعبیر درست باشد، در تکنولوژی آن هم از زاویه ای خاص درست است. ما در مورد قوانین نور، تابش خورشید، پدید آمدن گرما و سرما و آثار و حرکات آنها، و صدها مساله دیگر، علم تولید نمی کنیم، علم کشف می کنیم، در علوم انسانی هم هرچند نه به آن دقت، اما از نظر ماهیت علم بودن، کار کشف می کنیم. آن وقت بر اساس آن نظریات، وقتی می خواهیم معماری خانه مان را درست کنیم، به گونه ای طراحی می کنیم که بهترین تناسب را داشته باشد. همان وقت، بر اساس برخی از باورهای مذهبی یا اخلاقی، پنجره و محل نور را مشخص می کنیم. چطور ممکن است کسی این دو مقام را به راحتی با هم خلط کند و مرتب دم از تولید علوم انسانی بزند. اگر چیزی علم است، باید درس خواند، باید تحصیل کرد تا مناسبات واقعی موجود در عالم را فهمید. این فریب است که کسی تصور کند ما می توانیم علوم انسانی را خلق کنیم و آن وقت دنیای مطابق میلمان را بسازیم. یکی از نتایج این ماجرا آن است که حالا در قم موسساتی درست شده که به مغزشان فشار می آورند علوم انسانی بسازند و علم را مطابق خواهش نفس خویش کنند.»

اندیشمندان مختلفی از جمله حجت الاسلام پارسانیا در سلسله نشست های آسیب شناسی علوم انسانی به این اشکال پاسخ گفته اند.

وی در مورد این اشکال که علم تولید کردنی نیست، می گوید: یک اشکال این است که می گوید به کار بردن لفظ تولید در علوم انسانی، کالانگاری علوم انسانی ناشی می شود، حال آنکه علوم انسانی از سنخ معرفت است و با خط تولید اشیاء و کالاهای مادی تفاوت دارد. در نهایت علوم انسانی و به طور کلی علم تولید شدنی نیست.

وی ادامه می دهد: اگر ما برای علم ذات قائل نباشیم این نقد وارد نیست اما اگر برای علم ذات قائل شویم علم تولید کردنی نیست بلکه یافتنی است. اگر برای علم ذاتی قائل باشیم مثل ریاضی و فیزیک … عالم وقتی به یک حقیقت علمی می رسد نمی تواند بگوید من آن را تولید کردم چون آن قانون همیشه بوده است. بلکه می تواند مانند ارسطو بگوید «یافتم».

وی می افزاید: اما این حقیقتی که ذات خود را دارد در آن زمان از جهان خودش وارد ذهن پژوهشگر می شود و بعد از آنکه وی آن را نوشت و به تعلیم و تعلم راه پیدا کرد وارد فرهنگ و جهان سوم می شود. ورود معرفت به جهان دوم و

سوم حاصل تلاش انسان است لذا تولید انسانی است.

پارسانیا معتقد است: من نمی توانم احکام هندسه را عوض کنم اما می توانم آن را بفهمم و وارد جهان خودم کنم و با او متحد شوم. اتحاد من با او تولید من است و اگر بخواهیم آن را وارد زبان و کتابت کنیم، تولید خواهد بود. این نگاه دوگانه تولیدی بودن و یا یافتنی بودن علم را حل می کند که ناشی از دوگانه ذات داشتن علم و یا برساخته بودن آن است.

این استاد دانشگاه می گوید: همه علوم از آن جهت که وارد فرهنگ و ذهن انسان می شوند حاصل تلاش و کوشش انسان است اما به لحاظ ذاتی، برساخته نیستند. لفظ تولید را کسی آسیب می داند که برای علم ذات قائل باشد. روش رسیدن به ذات یک معرفت یک بحث است و روش توزیع آن در جهان سوم بحث دیگری است.

وی همچنین در جای دیگری می گوید: تولید علم موضوعی نیست که در برابر کاشفیت علم نسبت به جهان واقع یا کشف بودن علم نسبت به عالم قرار داشته باشد؛ یعنی الزاماً چنین نیست که همه کسانی که به انکار کشف بودن و یا کاشفیت علم می پردازند، علم را تولیدی بشری بدانند، و یا کسانی که علم را از سنخ کشف می دانند، تولیدی بودن علم را به طور مطلق انکار کنند. البته قول به کشف یا انکار کاشفیت علم درباره دامنه و محدوده تولید علم تاثیرگذار است.